

نوشتیجان ۳: یافته‌های کوچک

نگارش
جان کرتیس
با مقدمه‌ای از
دیوید استروناخ

ترجمه
کاظم ملازاده
دانشیار دانشگاه بوعلی سینای همدان
۱۳۹۳

۶۰	ج - سنجاق قفلی
۶۴	د - سنجاق‌های میله‌ای
۶۵	هـ - گوشواره‌ها
۶۶	و - مُهره‌ها
۶۷	ز - دگمه‌ها و قُبّه‌ها
۶۹	ح - سر پازو
۷۰	ط - کاردک
۷۱	ی - میل سُرّمه
۷۲	ک - قطعات متفرقه
۷۴	۴ - اشیاء گلی
۷۴	الف - پیکرک‌ها
۷۶	ب - سردوک‌ها
۸۰	ج - وزنه‌های بافندگی
۸۳	د - سرگرز
۸۴	هـ - گلوله فلاخن
۸۶	و - مُهره‌ها
۸۶	ز - هاون (?)
۸۶	ح - لوح‌ها (دیسک‌ها)
۸۷	۵ - اشیاء شیشه‌ای و خمیر شیشه
۸۷	الف - ظرف
۸۷	ب - آویزها
۸۷	ج - قُبّه‌های تزئینی
۸۸	د - مُهره‌ها
۹۰	۶ - اشیاء استخوانی
۹۰	الف - ابزارها
۹۱	ب - کاردک
۹۵	ج - سردوک‌ها
۹۵	د - چوب‌خط‌های استخوانی
۹۷	هـ - قلاب/توگل‌های استخوانی
۹۸	و - ظرف استخوانی
۹۹	ز - استخوان مرصع‌کاری
۹۹	ح - گونه‌بند اسب (اتصالات دهنه)
۱۰۱	ط - استخوان قاپ
۱۰۲	ی - قطعات متفرقه
۱۰۲	۷ - اشیاء سنگی
۱۰۲	الف - تیغه‌ها
۱۰۳	ب - سردوک‌ها
۱۰۴	ج - هاون‌ها

۱۰۴.....	د - مهره‌ها
۱۰۴.....	ه - آویزها
۱۰۵.....	و - قطعات متفرقه

فصل سوم: یافته‌های استقرار اشکانی

۱۰۸.....	الف- مقدمه
۱۱۰.....	ب- اشیاء فلزی
۱۱۱.....	ج- اشیاء گلی
۱۱۲.....	د- اشیاء شیشه‌ای و خمیر شیشه
۱۱۳.....	ه - اشیاء استخوانی و صدفی
۱۱۴.....	و - اشیاء سنگی

فصل چهارم: یافته‌های سطحی و فاقد لایه‌نگاری

۱۱۸.....	الف - مقدمه
۱۱۸.....	ب - اشیاء فلزی
۱۲۰.....	ج - اشیاء گلی
۱۲۱.....	د - اشیاء شیشه‌ای و خمیر شیشه
۱۲۱.....	ه - اشیاء استخوانی و صدفی
۱۲۲.....	و - اشیاء سنگی
۱۲۳.....	پیوست ۱: تجزیه اشیاء نقره‌ای موجود در موزه بریتانیا / ام. جی. هوگس
۱۲۶.....	پیوست ۲: مطالعه تکنیک ساخت مفتول‌های نقره‌ای مورد استفاده در تزئینات نوشیجان / دبلیو. ای. اودی
۱۲۸.....	فهرست انطباقی شماره‌های کاوش با شماره‌های فهرست شده در کتاب
۱۳۱.....	فهرست منابع
۱۴۳.....	فهرست اختصارات
۱۴۵.....	طرح‌ها و تصاویر

پیشگفتار مترجم

مادی‌ها به دلیل نقش کلیدی که در تحولات مهم منطقه بازی کردند و نیز به دلیل پایه‌گذاری فرهنگ و تمدن ایرانی (به معنای اخص آن) و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری امپراتوری هخامنشی، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ و تمدن ایران زمین به خود اختصاص داده‌اند. علی‌رغم این، جنبه‌های مختلف وجودی دولت ماد، به‌ویژه در حفاصل سقوط آشور (۶۱۲ ق.م.) و برآمدن امپراتوری هخامنشی (۵۵۰ ق.م.) ناشناخته باقی‌مانده است. هنر، شاخصه‌های هنری و در کل، دست‌ساخته‌های مادی از ناشناخته‌هایی است که در دوره اخیر موضوع مباحث چالش‌برانگیزی قرار گرفته، اما هم‌چنان هاله‌ای از ابهام آن را در بر گرفته است. متأسفانه، در این ارتباط، کاوش محوطه‌های شاخص و انگشت‌شمار منسوب به ماد، نتیجه قابل توجهی نداشته و تقریباً تمامی آن‌ها تهی از آثار هنری ارزشمند بودند.

بی‌تردید، در میان محوطه‌های مادی، تپه نوشیجان از تشخص ویژه‌ای برخوردار است. اما متأسفانه از دوره اصلی استقرار و داخل بناهای مهم آن، تقریباً اشیایی به دست نیامد و طبیعتاً در ارتباط با هنر و دست‌ساخته‌های این دوره نیز اطلاعات قابل توجهی ارائه نمی‌دهد. تقریباً تمامی یافته‌های کوچک نوشیجان مربوط به بعد از متروک شدن استقرار اصلی و شکل‌گیری استقرار فرعی و یا روستایی است. مهم‌ترین کشف این دوره از حیات محوطه، گنجینه نقره‌ای است که با توجه به کارکرد پولی و محتمل آن، اطلاعات فوق‌العاده‌ای در ارتباط با شکل‌گیری یک نظام پرداخت استاندارد، براساس شمش‌های میله‌ای و قطعات نقره‌ای فراهم می‌سازد. بقیه اشیاء مکشوفه نیز هر چند معرف شاخصه‌های هنری ماد نیستند، اما اطلاعات ارزشمند و منحصر به فردی در ارتباط با دست‌ساخته‌ها و فعالیت‌های ساکنان روستایی محوطه در دوره ماد ارائه می‌کنند.

جان کرتیس کتاب حاضر را در سال ۱۹۸۴م. و به عنوان جلد سوم گزارش‌نهایی کاوش نوشیجان انتشار داد. جلد اول این گزارش که به معماری محوطه می‌پردازد، خیلی بعد از این تاریخ و در سال ۲۰۰۷م. منتشر شد و دو جلد بعدی که به سفال و استقرار اشکانی

محوطه اختصاص پیدا کرده، تاکنون منتشر نشده است. خدای بزرگ را سپاسگزارم که این فرصت فراهم شد تا دو جلد منتشر شده گزارش‌نهایی کاوش نوشیجان را ترجمه کرده و در اختیار مادپژوهان قرار دهم. همان‌گونه که در پیشگفتار جلد نخست اشاره کردم، فقدان منابع علمی معتبر و نیاز علمی دانشجویان و مادپژوهان پارسی‌زبان، مشوق من برای ترجمه این کتاب‌ها و ورود به عرصه‌ی نه‌چندان سهل ترجمه است که امید دارم مزایای بسیار آن، معایب احتمالی آن را پوشش دهد.

کاظم ملازاده

همدان، ۱۳۹۳

www.ketab.ir

مقدمه

کتاب حاضر نخستین جلد منتشر شده از گزارش‌نهایی کاوش‌های تپه نوشیجان، واقع در غرب ایران است که به معرفی اشیاء مکشوفه از استقرار دوره ماد و اشکانی می‌پردازد. در این کتاب، به ترتیب گنجینه نقره‌ای که در نخستین فصل کاوش کشف شد، تمامی یافته‌های استقرار دوره ماد، یافته‌های استقرار اشکانی و نیز آن دسته از اشیایی که فاقد لایه‌نگاری بوده و یا از لایه سطحی به دست آمده‌اند، معرفی شده است. کتاب همچنین دارای دو پیوست است. پیوست نخست به نتایج تجزیه تعدادی از اشیاء گنجینه نقره‌ای نوشیجان اختصاص دارد و پیوست دیگر به تکنیک‌های ساخت مفتول‌های مورد استفاده در تعدادی از اشیاء گنجینه پرداخته است.

کاوش تپه نوشیجان با حمایت مؤسسه مطالعات ایرانی بریتانیا و در قالب ۵ فصل، در طی سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۷ میلادی انجام شد.^۱ فهرست کامل مؤسسه‌هایی حامی و نیز افراد شرکت کننده در این کاوش، در جلد نخست گزارش‌نهایی آمده است.^۲ با این حال، در این جا شایسته است به حمایت‌های فراوانی که آکادمی بریتانیا، موزه بریتانیا، موزه آشمولین، موزه هنر متروپولیتن و همچنین مؤسسه مطالعات ایرانی بریتانیا از این پروژه داشتند، اشاره کنیم. همچنین، در این ارتباط نمی‌توان فعالیت پنج نفر از پژوهشگران را نادیده گرفت: وارویک بال (Warwick Ball)، جان کرتیس، روزالیند کلدکوت (هاول) (Rosalind Caldecott (Howell))، مایکل رُف و روت استروناخ که با مهارت‌ها و تجارب خود، سهم فوق‌العاده‌ای در اجرای این پروژه ایفا کردند.

مؤسسه مطالعات ایرانی بریتانیا برای دریافت مجوز این کاوش مدیون وزارت فرهنگ و هنر ایران و همچنین مساعدت‌های آقای عبدالعلی پورمند، رئیس وقت مرکز باستان‌شناسی ایران، دکتر فیروز باقرزاده، رئیس پیشین مرکز باستان‌شناسی ایران و سه تن از همکاران

۱. برای گزارش‌های مقدماتی این کاوش، نگاه کنید به: D. Stronach, 1969؛ D. Stronach & M. Roaf and D. Stronach, 1973؛ D. Stronach and M. Roaf, 1978. برای کتابشناسی کامل در ارتباط با نوشیجان نگاه کنید به: D. Stronach and M. Roaf 1979, 1, n. 2. به این موارد باید اضافه کرد: M. Kyllö and R. Hubbard 1981؛ Stronach 1977, 1979, 1981 و کارهای در دست انتشار دیوید استروناخ.

۲. مجلد نخست این گزارش در سال ۲۰۰۷م و ترجمه فارسی آن نیز در سال ۱۳۹۰ منتشر شد (استروناخ، دیوید و مایکل رُف (۱۳۹۰)، نوشیجان: بناهای بزرگ دوره ماد، کاظم ملازاده، همدان، دانشگاه بوعلی سینا) (مترجم).

قدیمی: پروفیسور عزت‌الله نکهبان، باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی و س. محمد خرم‌آبادی است. اعضای کاوش که هم‌زمان نماینده مرکز باستان‌شناسی ایران نیز بودند، شامل علی‌اکبر سرفراز (سال ۱۹۶۷)، منوچهر ایمانی (سال ۱۹۷۰)، محمد زمریان (سال ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴) و وستا کرتیس (سرخوش) (سال ۱۹۷۷) می‌شود.

در ابتدا، شاید تاکید بر این نکته لازم باشد که انتشار این جلد از گزارش‌نهایی، دلیل بر این نیست که گمان کنیم کار بیشتری برای انجام در تپه نوشیجان باقی‌نمانده است. تضمین این‌که به کم‌تر از دو فصل کار در محوطه نیاز هست، مشکل است. اما در عین حال باید برخی ملاحظات عملی مطرح شود تا در سنجش، نتایج‌نهایی مدنظر قرار گیرد. به‌نظر می‌رسد که باید انتشار این نتایج را ترجیح دهیم؛ به‌ویژه با در نظر گرفتن تصمیم سخاوتمندانه مؤسسه مطالعات ایرانی بریتانیا برای تأمین هزینه این جلد و سه جلد بعدی در دست تهیه، که به انتشار نتایج کاوش می‌پردازند. لذا باعث افتخار است که دکتر جان کرتیس، دستیار بایگان بخش آثار باستانی آسیای غربی موزه بریتانیا که در طی سه فصل کاوش تپه نوشیجان تپه، کار ثبت داده‌ها و همچنین سرپرستی یک ناحیه از کاوش را بر عهده داشته، موفق شده گزارش‌نهایی حاضر را که شامل اطلاعات جامعی از اشیاء کوچک مکشوفه است، تهیه کند.

پروژه نوشیجان همچنین به‌دلیل همکاری‌های که در آزمایشگاه مطالعاتی موزه در اختیار هیأت قرار گرفت، و به‌ویژه به‌خاطر پیوسته‌هایی که با همکاری دکتر ام. جی. هوگس (M. J. Hughes) و آقای آندرو اودی (Andrew Oddy) تهیه شد، مدیون موزه بریتانیا است.

طرح‌های اصلی و میدانی اشیاء مختلف گنجینه نقره‌ای، توسط سوزان بیرد (Susan Bird) تهیه شده که، توسط آن سی‌رایت مکدونالد (Ann Searight-Macdonald) و مکس اولیور (Max Oliver) برای چاپ آماده شدند. اشیاء دیگر به‌دست آمده در نخستین فصل کاوش توسط رومینه داوونی طراحی شدند و بیشتر طرح‌های باقی‌مانده، چه آن‌هایی که در جریان کاوش کشیده شدند و چه نمونه‌هایی که برای چاپ آماده شدند، کار روزالیند کلدکوت است که در این‌جا به‌طور ویژه از او تشکر می‌کنیم. عکس‌های اشیاء توسط اعضای مختلف کاوش، به‌ویژه جورجینا هرمان و دیوید فلمینگ گرفته شده است.

مقدمات کار چاپ بخشی از مطالب این جلد در تابستان ۱۹۷۹ م. و طی فصل مطالعاتی که به مدت هشت هفته در کالج ولفسون اکسفورد برگزار گردید، آماده شد که در این‌جا موجب خرسندی است که دین خود را به رئیس و کارکنان کالج ولفسون ابراز کرده و همچنین از خانم ام. ای. گوریتز (M. E. Gueritz)، دستیار منشی مؤسسه مطالعات ایرانی بریتانیا به‌خاطر مساعدت‌های مختلفی که از نخستین فصل کاوش در حق ما به‌عمل آورد، سپاسگزاری کنم.

این مقدمه بدون اشاره‌های ویژه به کتابی که پیش‌رو دارید، کامل نمی‌شود. جان کرتیس در معرفی گنجینه نقره‌ای نوشیجان و اشیایی که این مجموعه را شکل می‌دهند، حجم کاملی از موارد قابل مقایسه ارائه کرده است. بر اساس اطلاعات فراهم شده، هر چند بسیاری از اشیاء گنجینه با تاریخ دفن گنجینه هم‌زمانی دارند، باوجود این تعدادی از اشیاء، از جمله آویزهای دو مارپیچی و چهار مارپیچی، در زمان قرار گرفتن در میان مجموعه، احتمالاً حدود ۱۵۰۰ سال قدمت داشته‌اند.^۳ نمونه‌های کاملاً قابل مقایسه نشان می‌دهند که به‌ویژه آویزهای دو مارپیچی، احتمالاً جزو آن دسته از اشیاء هستند که تاریخ ساخت آن‌ها تا هزاره سوم ق.م. به عقب برمی‌گردد، و یا این‌که در دوره متأخرتر و بر اساس یک سنت کهن ساخته شده‌اند. در این صورت، ضرورتاً بیش از یک فرض نمی‌تواند وجود داشته باشد. من پیشنهاد می‌کنم نظریه ارائه شده در کتاب را دنبال کرده و گزینه‌های احتمالی را پیدا کنیم. در این ارتباط، بر اساس مدارک ارائه شده به‌نظر می‌رسد که یک احتمال قابل توجه وجود داشته باشد و آن این‌که آویزهای چهار مارپیچی (تنها آن تعداد که قرابت نزدیکی با انواع دو مارپیچی دارند) در محوطه‌های مختلف ایران و نزدیک به اوایل هزاره اول ق.م. ساخته شده‌اند^۴ و مهم‌تر این‌که غیرممکن است این همه قطعات شکسته یا بریده شده ارزشمند برای مدتی بیش از ۱۲ قرن در دست نسل‌های متوالی باقی‌مانده باشد. همچنین، نمونه‌های خاصی از آویزهای چهار مارپیچی حتی به‌نظر می‌رسد (البته محتمل است) مربوط به یک گردن‌آویز واحد باشند.^۵

گنجینه قرن هفتمی (ق.م.) نوشیجان هر چند اطلاعات ارزشمندی در ارتباط با آخرین بقایای اشکال ویژه‌ای از تزئینات شخصی که در قلمرو ایران از ماندگاری طولانی برخوردارند، فراهم می‌سازد، اما اهمیت اصلی آن هنوز مشخص نشده است. دکتر ای. دی. اچ بیوار، از اعضای هیأت کاوش نوشیجان در سال ۱۹۶۷ م.، اولین کسی بود که با صراحت تأکید کرد (Bivar, 1971) این مجموعه جالب توجه، مشتمل بر شمش‌ها، حلقه‌های مارپیچی، بریده‌های نقره‌ای و انواع مختلف تزئینات شخصی نقره‌ای، به‌دلیل کارکرد پولی خود گرد آمده‌اند. تا قبل از این، قطعات نقره‌ای مشابه، در میان سنت‌های پولی شرق نزدیک- خلیج قبل از ابداع سکه- حضور داشته و به‌عنوان واسطه‌ای برای مبادلات مورد استفاده قرار می‌گرفته است. به‌طور خلاصه، این مورد منفرد گنجینه نوشیجان را در قالب ایران ماقبل هخامنشی طبقه‌بندی کرده و به موازات مدارک تأیید کننده دیگر، این امکان را فراهم می‌کند که نتیجه بگیریم، سنت پولی کهن‌تر بابل و آشور، به پادشاهی ایرانی ماد و هخامنشی رسیده است و جالب‌تر این‌که، این سنت در این‌جا به‌شکل شمش‌های میله‌ای ظاهر می‌شود (Bivar, 1982). به این ترتیب، برخلاف تصور موجود، ایران و نواحی

۳. نگاه کنید به ص ۳۷

۴. برای ارجاع کامل نگاه کنید به ص ۱۱

۵. نگاه کنید به ص ۱۳

مجاور آن اکنون این شایستگی را دارند که به عنوان زمینه مطالعاتی جدیدی در بحث سکه‌شناسی قرون قبل از ظهور اسکندر مطرح شوند (Bivar, 1982: 59).

نکته جالب دیگر احتمالی است که جان کرتیس مطرح می‌کند که بر اساس آن، گنجینه نقره‌ای امکان دارد بخشی از "گنجینه اصلی معبد" نوشیجان باشد که توسط روحانیون معبد در طی آخرین مرحله متروک‌سازی محوطه، پنهان شده است.^۶ اگرچه ساختار پولی گنجینه سدره این تفسیر نیست، اما پذیرش این که مراحل متروک‌سازی محوطه با تصمیم دیر هنگام مبنی بر قرار دادن مجموعه‌ای از اشیاء ارزشمند در پناه یک خشت منفرد و شکسته همراه شده، دشوار است. اگر پرداخت‌هایی را که به نقره و در دوره بعد، به کارگران شاغل در تخت‌جمشید صورت می‌گرفته در نظر بگیریم (Cameron, 1965, 172-3, 182-5)، به هنگام عملیات گسترده متروک‌سازی، انتقال مقدار زیادی نقره به بالای تپه می‌تواند محتمل باشد. البته، تنها می‌توانیم فرض کنیم که شاید یکی از کارکنان یا کارگران شاغل فرصت اندکی برای پنهان کردن کاسه برنزی و محتویات نقره‌ای آن (به شیوه‌ای که شرح داده شد) پیدا کرده است.

گوشواره منفرد و آویزهای مارپیچی گنجینه نقره‌ای، کمک اندکی به مشخص شدن ویژگی‌های هنری ماد (اگر چنین هنری بوده) می‌کند. این وضعیت در ارتباط با چند مهر مکشوفه و خوب حفظ شده نیز صادق است. در هر صورت، به نظر می‌رسد همه آن‌ها کم و بیش تولید محلی بوده^۷ و بی‌تردید طرح‌هایی را نشان می‌دهند که منشأ اصلی آن‌ها در آشور و یا مناطقی دورتر از آن قرار داشته است. حتی آویز سر پازوزو (لوح ۱۳: ۲۹۶) که از نوشیجان به دست آمده و به عنوان یکی از نمونه‌های شاخصه هنر ماد معرفی شده است (Calmeyer, 1974: 114-116)، آشکارا تقلیدی از آویزهای هم‌زمان آشوری است؛ البته اگر وارداتی نباشد.

در این مقدمه، فرصت بازنگری کامل شاخصه‌های هنری که از اقوام مادی انتظار می‌رود (حداقل در مدت کوتاه حیات که قبل از کسب شهرت در آسیای غربی داشتند) وجود ندارد. اما شاید لازم باشد تأکید کنیم که قبل از کشف اشیاء جالب توجه و ارزشمند هنری در لایه‌های مادی گودین تپه، نوشیجان و باباجان تپه، هگمتانه باستان منبع بسیار محتمل‌تری برای کشف اشیایی با ارزش هنری بود؛ یعنی بقایایی که در مباحث علمی عمدتاً کشف نشده باقی مانده است. در ارتباط با اشیاء مکشوفه از نوشیجان، لازم به تذکر است که بناهای بزرگ محوطه به همراه محتویات خود ویران نشده‌اند، بلکه تعدادی از آن‌ها با دقت و وسواس مسدود و متروک‌سازی شده است. لذا بسیاری از یافته‌های کوچک نوشیجان از لایه استقرار روستایی یا لایه فرعی ماد به دست آمده‌اند. به همین دلیل،

۶. نگاه کنید به ص ۴۳

۷. نگاه کنید به ص ۴۹

این یافته‌ها در مقایسه با اشیایی که احتمالاً مربوط به استقرار اصلی بوده، شاید کم‌تر شاخص باشند. اشیاء جالب و مکشوفه دیگر جملگی از استقرار فرعی ماد به‌دست آمده و به‌گونه‌ای است که اطلاعات ارزشمندی در ارتباط با ویژگی‌ها و اقتصاد روستای اواخر دوره ماد ارائه می‌دهد: روستایی که بر اساس داده‌های کاوش، حداقل بخشی از آن مرکز بافندگی بوده است.^۸

تاریخ استقرار فرعی ماد در مقایسه با آن‌چه که در کتاب مشخص شده (۶۵۰ تا ۵۷۵ ق.م.)^۹، از قطعیت کم‌تری برخوردار بوده است، لیکن لازم به تأکید است که برای تأیید فرضیه کرتیس، مبنی بر این‌که استقرار فرعی به مدت ۳ نسل، نه بیشتر، حیات داشته است، شواهد و دلایلی وجود دارد.^{۱۰} اما این‌که استقرار فرعی سال ۶۵۰، ۶۲۵ و یا ۶۰۰ ق.م. شروع شده، موضوعی است که مدارک موجود هنوز امکان قطعی شدن آن را فراهم نمی‌کند. البته، اگر وضعیت سیاسی (و شاید مذهبی) و تاریخ غرب ایران مدنظر قرار گیرد، موضوع بدون ارتباط‌های تاریخ‌گذاری هم نیست. به‌ویژه، دور از ذهن به‌نظر نمی‌رسد که انتظاری که با مشاهده معبد مرکزی ایجاد می‌شود، زمینه‌ای برای استنباط وجود یک قدرت مرکزی شود؛ و در صورت صحت این فرض، خیلی جالب خواهد بود که بدائیم آیا چنین قدرتی در سرزمین اصلی ماد و در سال ۶۲۵ ق.م. و یا نزدیک به این سال وجود داشته است؛ چه رسد به حدود سال ۶۵۰ ق.م.^{۱۱}

در نهایت، این‌که اشیاء کوچک مکشوفه از لایه‌های اشکانی تپه نوشیجان نیز ارزش خاص خود را دارند. اهمیت این اشیاء زمانی افزوده می‌شود که آن‌ها را در ارتباط با سفال و معماری محلی، و همچنین نمونه‌های گیاهی و حیوانی (Kyllo and Hubbard, 1981) مورد مطالعه قرار دهیم. در این صورت، این امکان فراهم می‌شود تا تصویر نسبتاً روشنی از یک روستای زاگرس مرکزی در طول اوایل و اواسط دوره اشکانی که کم‌تر شناخته شده، ارائه شود.

دیوید استروناخ

۸. برای نمونه نگاه کنید به صص ۴۹ و ۹۵

۹. نگاه کنید به ص ۴۷

۱۰. نگاه کنید به ص ۴۷

۱۱. نگاه کنید به: Helm, 1981 و کارهای در دست انتشار دیوید استروناخ